



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

# تحقیق هفته

شماره: 470

(01 - 07 حمل 1404 هـ ش)

## دونالد ترامپ و آینده ناتو



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

## آنچه درین شماره می خوانید:

- دونالد ترامپ و آینده ناتو..... 3
- نگاهی به روابط ایالات متحده و ناتو پیش از ریاست جمهوری ترامپ..... 3
- تغییرات سیاست خارجی ایالات متحده در دوره ترامپ و تأثیر آن بر ناتو..... 4
- بررسی مواضع ترامپ در خصوص مواجهه ناتو به تهدیدات جهانی..... 5
- واکنش کشورهای عضو ناتو به سیاست‌های ترامپ و تأثیرات آن بر امنیت جهانی..... 7
- نتایج احتمالی خروج یا کاهش نقش ایالات متحده از ناتو..... 8
- تأثیرات آن بر افغانستان..... 8
- نتیجه‌گیری..... 9
- منابع..... 9

## دونالد ترامپ و آینده ناتو

### مقدمه

سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) که در تاریخ ۴ اپریل سال ۱۹۴۹ تأسیس شد، یک اتحاد نظامی است که به منظور تضمین امنیت جمعی کشورهای عضو در برابر تهدیدات خارجی، به خصوص در دوران جنگ سرد، تشکیل گردید. این سازمان با هدف تقویت همکاری‌های دفاعی و پیشگیری از تهاجم خارجی به کشورهای اروپایی و امریکای شمالی، اساس نامه خود را بر پایه اصل «دفاع مشترک» پایه‌گذاری کرد که بر اساس آن، هر گونه حمله به یکی از اعضا به معنای حمله به تمام اعضای ناتو است. در ابتدا، ناتو شامل ۱۲ کشور بنیان‌گذار از جمله ایالات متحده، کانادا، بریتانیا، فرانسه و کشورهای غربی اروپایی بود. با گذشت زمان، ناتو گسترش یافته و در حال حاضر ۳۲ کشور عضو دارد.<sup>۱</sup> این ائتلاف در طول تاریخ و با توجه به تحولات جهانی، فعالیت‌های خود را در بخش امنیتی گسترش داده و مبارزه با تهدیدات جدیدی مانند مدیریت بحران، حفظ صلح، مبارزه با تروریسم و مقابله با تسلیحات کشتار جمعی را در دستور کار خود قرار داده است. با این حال، ناتو با چالش‌های مختلفی از جمله اختلافات داخلی، افزایش هزینه‌های دفاعی، و نگرانی‌هایی از نقش امریکا در تصمیم‌گیری‌های کلیدی، روبه‌رو بوده و در برخی موارد با انتقادهایی از سوی کشورهای غیرعضو و حتی برخی از اعضای خود مواجه شده است. با وجود این چالش‌ها، ناتو من حیث یکی از مهم‌ترین نهادهای امنیتی و دفاعی در سطح جهانی تاکنون باقی مانده است.

روابط ایالات متحده و ناتو از بدو تأسیس تا به امروز نقش مهمی در سیاست خارجی امریکا ایفا کرده است. در دوران جنگ سرد و پس از آن، ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی و نظامی، از محوری‌ترین نقش برخوردار بوده است. دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ چه در دور اول و چه اکنون تحولاتی جدی در روابط امریکا با ناتو را به همراه داشته و موجب شکاف‌های در میان اعضای ناتو به خصوص با برخی کشورهای اروپایی شده است.

در این نوشته به بررسی روابط ایالات متحده و ناتو قبل از ریاست جمهوری ترامپ، تحولات سیاست خارجی امریکا در دوره ترامپ و تأثیرات آن بر ناتو، همچنین مواضع ترامپ در مواجهه با تهدیدات جهانی، واکنش کشورهای عضو ناتو به سیاست‌های ترامپ، پیامدهای احتمالی خروج یا کاهش نقش ایالات متحده در ناتو و تأثیرات آن بر افغانستان پرداخته می‌شود.

### نگاهی به روابط ایالات متحده و ناتو پیش از ریاست جمهوری ترامپ

روابط ایالات متحده و ناتو پیش از ریاست جمهوری ترامپ همواره بر پایه تعهدات امنیتی و همکاری‌های چندجانبه استوار بوده است. از بدو تأسیس، ایالات متحده نقش کلیدی در این ائتلاف ایفا کرده و به عنوان یکی از بنیان‌گذاران و بزرگ‌ترین حامی مالی و نظامی ناتو شناخته شده است که طبق ترتیب تقسیم هزینه آخرین آمار حدود 15.881 فیصد بودجه ناتو را امریکا پرداخت می‌کند.<sup>۲</sup> در دوران جنگ سرد، ناتو به عنوان یک ابزار استراتژیک برای مقابله با تهدیدات اتحاد جماهیر شوروی سابق عمل کرد و

ایالات متحده با ارائه منابع مالی و نظامی گسترده، نقش رهبری خود را در این ائتلاف تثبیت نمود. پس از فروپاشی شوروی، ناتو به تدریج به سمت مقابله با تهدیدات نوظهور مانند " تروریسم " و جنگ‌های سایبری حرکت کرد و ایالات متحده همچنان به عنوان ستون اصلی این ائتلاف باقی ماند، هرچند که اختلافات میان اعضا در خصوص نحوه تقسیم هزینه‌ها و مسئولیت‌ها به تدریج نمایان می‌شد.

در دوران ریاست‌جمهوری بارک اوباما و پیش از آن، ضمن عدم علنی ساختن خروج امریکا از ناتو، سیاست ایالات متحده در قبال ناتو بر همکاری‌های چندجانبه و تقویت دیپلماسی متمرکز بود. اوباما تلاش کرد تا روابط میان اعضای ناتو را تقویت کند و بر اهمیت همکاری‌های مشترک در مقابله با تهدیدات جهانی تأکید داشت. با این حال، انتقادات از کشورهای اروپایی به دلیل عدم تحقق هدف ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی برای هزینه‌های دفاعی همچنان مطرح بود. در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ در دور اول، این انتقادات به اوج خود رسید و ترامپ با تأکید بر سیاست " امریکا اول "، بارها از کشورهای عضو ناتو انتقاد کرد که سهم خود را در تأمین هزینه‌های دفاعی به اندازه کافی افزایش نمی‌دهند. او تهدید می‌کرد که در صورت عدم همکاری، ممکن است ایالات متحده تعهدات خود را کاهش دهد یا حتی خروج از ناتو را در نظر بگیرد.<sup>3</sup> این رویکرد باعث ایجاد تنش‌های جدی میان اعضای ناتو شد و شکاف‌هایی در روابط میان ایالات متحده و متحدان اروپایی به وجود آورد. این سیاست‌ها باعث شد که برخی از کشورهای اروپایی، به ویژه آلمان و فرانسه، احساس کنند که همکاری‌های طولانی مدت در ناتو در معرض خطر قرار گرفته است، در حالی که کشورهای اروپای شرقی که با تهدیدات روسیه مواجه بودند، از این فشارها استقبال کردند.

اما با آمدن جو بایدن به کرسی ریاست‌جمهوری امریکا، سیاست ایالات متحده در قبال ناتو به سمت بازسازی روابط و تقویت همکاری‌های چندجانبه حرکت کرد. بایدن تلاش کرد تا اعتماد کشورهای عضو ناتو را جلب کند و بر اهمیت اتحاد و همبستگی در مقابله با تهدیدات جهانی تأکید داشت. او همچنان تلاش کرد تا اختلافات ناشی از سیاست‌های ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری اش را کاهش دهد و روابط میان ایالات متحده و متحدان اروپایی را بهبود بخشد. در حالیکه، چالش‌های مربوط به تقسیم هزینه‌ها و مسئولیت‌ها همچنان پابرجا ماند و ناتو با تهدیدات نوظهور مانند جنگ‌های سایبری و رقابت‌های ژئوپلیتیکی مواجه گردید تا که ترامپ دوباره به قدرت رسید.

### تغییرات سیاست خارجی ایالات متحده در دوره ترامپ و تأثیر آن بر ناتو

در دوره کنونی ترامپ، سیاست‌های او همچنان بر محور " امریکا اول " استوار است، اما با تغییراتی در رویکرد و اولویت‌ها همراه می‌باشد. ترامپ تلاش دارد تا روابط خود با کشورهای عضو ناتو را بهبود بخشد، اما همچنان بر افزایش سهم مالی کشورهای اروپایی تأکید دارد. تعاملات او با رهبران ناتو در این دوره، اگرچه کمتر تهاجمی به نظر می‌رسد، اما همچنان با فشار برای افزایش بودجه دفاعی همراه است. این تأکیدات باعث شده است که برخی از کشورهای عضو ناتو به دنبال ایجاد سیاست‌های دفاعی مستقل‌تر باشند و وابستگی خود به ایالات متحده را کاهش دهند. در عین حال، ترامپ تلاش کرده است تا از طریق مذاکرات دیپلماتیک و همکاری‌های نظامی، اعتماد کشورهای عضو ناتو را جلب کند. با این حال، نگرانی‌ها

و انتقادات از سیاست‌های او همچنان پابرجاست و برخی از کشورهای اروپایی معتقدند که رویکرد ترامپ به ناتو می‌تواند به اتحاد و همبستگی این ائتلاف آسیب برساند.

فشارهای ترامپ تأثیرات گسترده‌ای بر همبستگی و اتحاد در ناتو دارد. از یک سو، برخی از کشورهای بزرگ مانند آلمان و فرانسه که سهم بالایی از بودجه دفاعی ناتو را تأمین می‌کردند، از این فشارها نگران هستند و بر این باور خواهند شد که اینگونه انتقادات می‌تواند به همکاری‌های طولانی‌مدت درون ناتو آسیب بزند. کشورهای کوچک‌تر نیز نگرانی‌های مشابهی داشته و از این می‌ترسند که سیاست‌های ترامپ باعث ایجاد شکاف میان اعضای این ائتلاف شود. سیاست‌های ترامپ در خصوص افزایش فشار مالی چون بلند بردن تعرفه‌ها به برخی از اعضای ناتو چالش‌های دیگری نیز ایجاد کرده است که در سطح داخلی و بین‌المللی تأثیرگذار می‌باشند. یکی از پیامدهای این سیاست‌ها، افزایش چندقطبی‌گرایی در رویکردهای امنیتی کشورهای عضو ناتو است. در حالی که برخی کشورها چون آلمان و فرانسه به دنبال ایجاد یک سیاست دفاعی مستقل اروپایی هستند و از این موضوع به عنوان فرصتی برای کاهش وابستگی به ایالات متحده استفاده خواهند کرد، سایر کشورها چون لهستان و کشورهای بالتیک تأکید بیشتری بر حضور فعال امریکا در ناتو دارند. این اختلافات باعث شده است که هماهنگی و انسجام سیاست‌های دفاعی در داخل ناتو به چالش کشیده شود. علاوه بر این، فشارهای ترامپ بر بودجه دفاعی ناتو بر روابط دیپلماتیک میان کشورهای عضو نیز تأثیر گذار می‌باشد. از یک سو، متحدان اروپایی احساس می‌کنند که این انتقادات مداوم از سوی رئیس‌جمهور امریکا نشان‌دهنده عدم قدردانی از تلاش‌های آنان در زمینه امنیت مشترک است. از سوی دیگر، فشارهای مالی ترامپ باعث می‌شود کشورهایی که در بحران اقتصادی قرار دارند، احساس کنند که سیاست‌های ناتو منصفانه نیست و فشار مضاعفی را بر آن‌ها وارد می‌کند. این موضوع به ایجاد اختلافات بیشتر در جلسات و مذاکرات ناتو خواهد انجامید.

### بررسی مواضع ترامپ در خصوص مواجهه ناتو به تهدیدات جهانی

دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ در دور اول با تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های خارجی ایالات متحده همراه بود که تأثیرات عمیقی بر ناتو و نحوه مواجهه این سازمان با تهدیدات جهانی داشت. یکی از جنبه‌های بارز سیاست ترامپ، تأکید وی بر تهدیدات جدید جهانی نظیر روسیه، چین و "تروریسم" بود. این تهدیدات، از یک سو نیازمند پاسخ‌های استراتژیک جدید بودند و از سوی دیگر باعث چالش‌هایی در درک و هماهنگی میان متحدان ناتو گردیده بود. ترامپ به‌طور خاص بر مقابله با نفوذ روسیه در اروپا تأکید می‌کرد، اما روابطش با ولادیمیر پوتین و اظهاراتش درباره کاهش تحریم‌ها علیه روسیه، برخی از کشورهای اروپایی را نگران ساخته بود. در مورد چین، ترامپ با رویکردی متفاوت به تهدیدات اقتصادی و نظامی این کشور پرداخته و تلاش می‌کرد تا ائتلاف‌های جدیدی در منطقه آسیا-اقیانوسیه ایجاد کند، که این سیاست‌ها باعث شد ناتو نیز توجه بیشتری به تهدیدات چین داشته باشد. در زمینه "تروریسم"، ترامپ بر لزوم مقابله با "گروه‌های" مانند "داعش" و "القاعده" تأکید داشت، اما تصمیمات او برای کاهش حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه نگرانی‌هایی را در مورد توانایی ناتو در مقابله با این تهدیدات ایجاد کرد.



این تغییرات در سیاست‌های ترامپ باعث شد ناتو به بازنگری در استراتژی‌های خود بپردازد. تهدیدات روسیه و چین به‌عنوان چالش‌های استراتژیک بلندمدت برجسته شد و این امر ناتو را وادار به تقویت حضور نظامی و همکاری‌های اطلاعاتی در اروپا و آسیا کرد. ناتو به‌ویژه در مواجهه با روسیه به تقویت توانمندی‌های دفاعی خود پرداخت و حضور نظامی در اروپای شرقی را افزایش داد. در مقابل، تهدیدات تروریستی همچنان به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی ناتو باقی ماند و این سازمان تلاش کرد تا با تقویت همکاری‌های بین‌المللی و افزایش توانمندی‌های ضدتروریستی خود، به این چالش‌ها پاسخ دهد. این تغییرات نه‌تنها ناتو را به بازتعریف استراتژی‌های خود وادار کرد بلکه بر نقش آن در نظام امنیتی جهانی نیز تأثیرگذار بود.

با توجه به تهدیدات جدید جهانی، ناتو در مواجهه با بحران‌ها و تهدیدات مختلف به رویکردهای متفاوتی روی آورد. در خصوص "تروریسم"، حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ یکی از نقاط عطف در تاریخ ناتو به شمار می‌آید که باعث شد ناتو به عنوان یک سازمان نظامی در خارج از اروپا وارد جنگ‌های جهانی علیه "تروریسم" شود. ایالات متحده به‌ویژه پس از این حادثه، سیاست «مبارزه با تروریسم جهانی» را دنبال کرد و ناتو نیز در چارچوب مأموریت‌های خود به حمایت از این سیاست‌ها پرداخت. در این راستا، ناتو ابتدا در افغانستان مسئولیت‌های نظامی و سپس مشاوره‌ای در عراق را به‌عهده گرفت. با این حال، در طول این مسیر اختلافاتی میان ایالات متحده و کشورهای اروپایی ناتو به‌ویژه در زمینه حمله به عراق و سیاست‌های پس از آن به وجود آمد. این اختلافات، به‌ویژه در مواجهه با ظهور داعش، نشان‌دهنده چالش‌های ناتو در هماهنگی کامل با ایالات متحده بود.

ناتو همچنین در مواجهه با تهدیدات روسیه، به‌ویژه پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۱۴، به تقویت سیاست‌های دفاعی خود پرداخت. این حمله به اوکراین به‌طور مشخص واکنش ناتو را برانگیخت و موجب شد که ایالات متحده بار دیگر به عنوان رهبر برای مقابله با روسیه وارد عمل شود. ناتو، همراه با ایالات متحده، حضور نظامی خود را در اروپای شرقی تقویت کرد و همچنین تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال کرد. این تغییرات به‌ویژه پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ شدت بیشتری یافت و ایالات متحده علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، کمک‌های نظامی زیادی به اوکراین ارائه داد. با این حال، برخی کشورهای اروپایی از این رویکرد ایالات متحده استقبال کردند. اما دیدار افتضاح آمیز دونالد ترامپ در نخستین ماه حکومتش در دور جدید با زلینسکی رئیس‌جمهور در حال جنگ اوکراین،<sup>4</sup> نه تنها اوکراین را شوکه کرد بلکه اتحاد امریکا و اروپا به خصوص آینده ناتو را با پرسش‌های جدی مواجه کرد.

در نهایت، چین نیز به‌عنوان یک تهدید جهانی جدید برای ایالات متحده و ناتو مطرح شد. ترامپ همواره چین را به‌عنوان یکی از تهدیدات اصلی برای جایگاه ایالات متحده معرفی کرده است. ترامپ در دور اول و دوم حکومتش با آغاز جنگ تجاری و تحریم‌های اقتصادی علیه چین، سعی کرده تا این کشور را به‌عنوان یک رقیب جهانی از نظر اقتصادی و نظامی مهار کند. با آنکه این رویکرد سیاست خارجی ترامپ باعث شد ناتو نیز توجه بیشتری به تهدیدات چین نشان دهد و در سیاست‌های خود نسبت به آسیا-اقیانوسیه تجدیدنظر کند. در حالی که کشورهای اروپایی به دلیل روابط تجاری گسترده با چین، به خصوص در سال‌های اخیر تمایل کمتری به رویارویی مستقیم با این کشور نشان دادند،<sup>5</sup> ایالات متحده همواره تلاش کرده است تا

فشارهای دیپلماتیک خود را برای مقابله با نفوذ چین در سطح جهانی افزایش دهد. در این راستا، ناتو تلاش می‌کند تا با توازن میان مقابله با تهدیدات روسیه و چین، سیاست‌های دفاعی خود را بازتعریف کند و نقش مؤثرتری در حفظ امنیت جهانی ایفا نماید.

### واکنش کشورهای عضو ناتو به سیاست‌های ترامپ و تأثیرات آن بر امنیت جهانی

سیاست خارجی دونالد ترامپ تأثیرات گسترده‌ای بر روابط ایالات متحده با کشورهای عضو ناتو دارد. یکی از اقدامات برجسته ترامپ، درخواست‌های مکرر او از کشورهای ناتو برای افزایش سهم خود در بودجه دفاعی این سازمان است. این خواسته‌ها به‌ویژه در میان کشورهای اروپایی با واکنش‌های انتقادی روبه‌رو گردیده است. این کشورها به انتقاد از سیاست‌های ترامپ پرداخته تلاش دارند تا استقلال بیشتری در سیاست‌های دفاعی و امنیتی خود ایجاد کنند. به عنوان مثال، فرانسه و آلمان به همراه دیگر کشورهای اروپایی، ابتکاراتی مانند "پیمان دفاعی اروپا" را مطرح کردند که هدف آن کاهش وابستگی به ایالات متحده و تقویت همکاری‌های دفاعی درون اروپا می‌باشد. همچنین ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری اش مسئله پیوستن کانادا عضو ناتو به امریکا را مطرح کرد که این از سوی نخست وزیر کانادا به شکل مسخره آمیزی رد شده است. این تحولات نشان‌دهنده تمایل کشورهای اروپایی به بازنگری در سیاست‌های خود و ایجاد یک سیستم دفاعی مستقل‌تر دارد.

از سوی دیگر، برخی کشورهای اروپای شرقی نظیر لهستان و کشورهای حوزه بالتیک از سیاست‌های ترامپ استقبال می‌کنند. این کشورها که نگرانی‌های امنیتی بیشتری نسبت به تهدیدات روسیه دارند، از افزایش حضور نظامی ایالات متحده در منطقه استقبال می‌کنند و آن را به‌عنوان یک تضمین امنیتی مهم تلقی می‌نمایند. این تفاوت‌های واکنشی میان کشورهای عضو ناتو، شکاف‌هایی را در این سازمان ترسیم کرده و باعث شده است که کشورهای اروپایی به‌ویژه در پی بازنگری در سیاست‌های دفاعی خود و تقویت همبستگی درون اروپا باشند.

در زمینه تقویت روابط با هم‌پیمانان خارج از ناتو، ترامپ سیاست‌هایی را در پیش داشته که موجب تقویت همکاری‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای کلیدی مانند جاپان، کوریای جنوبی و استرالیا می‌شود. این سیاست‌ها که بیشتر در راستای مقابله با تهدیدات چین و کوریای شمالی است، تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت جهانی دارد. در این راستا، ایالات متحده با جاپان توافق‌نامه‌های دفاعی امضا کرده است که شامل افزایش حضور نظامی امریکا و تقویت توانایی‌های دفاعی جاپان می‌شود. همچنین در کوریای جنوبی، ترامپ تأکید داشت بر مقابله با تهدیدات کوریای شمالی و همکاری‌های نظامی و اقتصادی میان دو کشور را تقویت کند. استرالیا نیز نقش کلیدی در سیاست‌های ترامپ در منطقه اقیانوسیه ایفا کرده است. این سیاست‌ها تأثیرات قابل توجهی بر ناتو دارد، زیرا تمرکز بیشتر ایالات متحده بر ائتلافات خارج از ناتو باعث نگرانی برخی کشورهای اروپایی می‌شود که احساس کنند توجه ایالات متحده به ناتو کاهش یافته است. این تغییرات در اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده موجب بازنگری کشورهای عضو ناتو در

سیاست‌های دفاعی خود خواهد شد و نقش ایالات متحده در حفظ امنیت جهانی و تقویت روابط با هم‌پیمانان خارج از ناتو را بیش از پیش برجسته می‌کند.

### نتایج احتمالی خروج یا کاهش نقش ایالات متحده از ناتو

با توجه به اظهارات و سیاست‌هایی ترامپ به حیث رئیس‌جمهور امریکا در مورد آینده ناتو و نقش ایالات متحده در این سازمان و تهدید آن به خروج از آن در صورت عدم تحقق خواسته‌های ایالات متحده، باعث ایجاد نگرانی‌های عمیقی در میان کشورهای اروپایی می‌شود. بسیاری از این کشورها ناتو را به‌عنوان ستون اصلی امنیت جمعی خود می‌دانند و خروج یا کاهش نقش ایالات متحده می‌تواند به تضعیف این سازمان و افزایش تهدیدات امنیتی در کشورهای غربی منجر شود. این تهدیدات شامل افزایش نفوذ روسیه در اروپا و کاهش توانایی ناتو در مقابله با قدرت‌های رقیب چون روسیه و چین می‌انجامد که دلالت به سوق جهان به سوی چند قطبی شدن دارد. نتایج احتمالی دیگر خروج یا کاهش نقش ایالات متحده از ناتو می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت جهان داشته باشد، زیرا در سال‌های پسین ناتو به ابزاری برای گسترش نظامی غرب تبدیل شده است که با مداخلات یکجانبه این ائتلاف بحران‌هایی بزرگی مانند جنگ افغانستان و عراق را سبب شده است. از یک سو با خروج یا کاهش نقش ایالات متحده از ناتو ممکن است از تنش‌ها و تحریکات ژئوپولیتیکی در سراسر جهان کاسته شود، طوریکه در خاورمیانه این تحرکات به اوج رسیده است. از سوی دیگر تضعیف ناتو فضایی دیپلماسی چند جانبه را فراهم نموده همچنان با خلق انگیزه تمرکز بر امنیت جمعی مستقل به توازن قوا در روابط بین‌المللی کمک می‌کند.

علاوه بر این، این امر ممکن است به افزایش نفوذ قدرت‌های رقیب مانند روسیه و چین در صحنه جهانی انجامد و تعادل قدرت در نظام بین‌المللی را به‌طور قابل توجهی تغییر دهد. در مجموع، اظهارات ترامپ درباره احتمال خروج از ناتو نه‌تنها چالش‌هایی را برای امنیت اروپا ایجاد می‌کند، بلکه به بازنگری در نقش ایالات متحده در نظام امنیتی جهانی نیز منجر شود. این بازنگری می‌تواند به تغییرات ساختاری در ناتو و ایجاد ائتلاف‌های جدید میان کشورهای اروپایی انجامد که هدف آن‌ها تقویت امنیت جمعی و کاهش وابستگی به ایالات متحده است. در اخیر ناگفته نباید گذاشت، بعید نیست که ترامپ خروج یا کاهش نقش ایالات متحده از ناتو را من حیث گزینه‌ای فشار علیه قدرت‌های اروپایی انتخاب کرده، جهت تأمین اهداف مالی ایالات متحده از آن استفاده نماید، زیرا ناتو در طول تاریخ خویش همواره همگام با منافع امریکا در حرکت بوده است.

### تأثیرات آن بر افغانستان

با توجه به موقعیت استراتژیکی و جیوپولیتیکی افغانستان و حضور بیست ساله و ناکام ناتو در این کشور، می‌توان گفت: تضعیف ناتو که به کاهش نفوذ یکجانبه غرب به خصوص امریکا خواهد انجامید، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای افغانستان ایجاد کند تا این کشور بتواند با قدرت‌های منطقه‌ای مانند چین، روسیه، ایران و کشورهای آسیای میانه روابط متوازنتری برقرار کند. همچنان ممکن است این کشورها





به دلیل منافع اقتصادی و امنیتی خویش به سرمایه گذاری در زیر ساخت‌ها و پروژه‌های اقتصادی کلان در این کشور تمایل بیشتری پیدا کنند. از یک سو تضعیف ناتو و عدم مداخلات غربی ممکن است باعث شود که افغانستان با تکیه بر دیپلماسی فعال و روابط غیر وابسته و شرکت در سازمان‌های منطقه‌ای چون سازمان همکاری شانگهای، جایگاه بهتری در معادلات منطقه‌ای پیدا کند. با آنکه افغانستان در کوتاه مدت در شرایط نگران کننده با چالش‌های بزرگ اقتصادی و بحران بشری مواجه است که ممکن است باعث افزایش نفوذ بازیگران منطقه‌ای و دنبال اهداف استراتژیک آن‌ها در این کشور می‌شود؛ نیاز به کمک‌های بین المللی دارد.

## نتیجه گیری

سیاست‌های مالی رئیس جمهور ترامپ در قبال ناتو، به ویژه درخواست از کشورهای اروپایی برای تأمین سهم بیشتر در هزینه‌های دفاعی، اگرچه ممکن است موجب تقویت منابع مالی ناتو شده باشد، اما باعث بروز تنش‌های میان اعضای این ائتلاف و همچنین کاهش اعتماد کشورهای اروپایی به ایالات متحده نیز گردیده است. با آنکه ممکن است این سیاست‌های به حیث آله فشار جهت منافع اقتصادی امریکا به کار گرفته شود، اما در دراز مدت می‌تواند در کنار تغییر نقش ایالات متحده در ناتو، باعث بازنگری تعریف روابط بین الملل و ساختار امنیت جهانی شود. زیرا تهدیدات مکرر ترامپ، کشورهای اروپایی را وا خواهد داشت تا در مورد آینده این ائتلاف تجدید نظر نموده به دنبال تقویت استقلال دفاعی خود شوند. به طور کلی، ترامپ باعث می‌شود که ناتو به بازنگری در اولویت‌ها و استراتژی‌های خود پرداخته همچنان با چالش‌ها و سوالات بی‌پاسخ زیادی روبرو شود. در نهایت خروج یا کاهش نقش ایالات متحده که به تضعیف یا حذف ناتو خواهد انجامید، به نفع جهان به خصوص جهان سوم است، زیرا ناتو به رهبری امریکا که به ایزاری گسترش نفوذ نظامی غرب و مداخلات یکجانبه آنها تبدیل شده است، چه بسا عامل خلق بحران در برخی کشورها چون افغانستان و عراق گردیده است. بنابراین در صورت تضعیف ناتو ممکن است از تنش‌های ژئوپولیتیکی کاسته شود و فضایی مناسب برای دیپلماسی چند جانبه فراهم شده، در درازمدت به توازن قوا در روابط بین الملل کمک کند.

## منابع

- <sup>1</sup> . NATO: What is Nato? , Link: <https://www.nato.int/nato-welcome/index.html>
- <sup>2</sup> . NATO:Funding NATO, 19 Dec 2024, link: [https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics\\_67655.htm](https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_67655.htm)
- <sup>3</sup> . The New York Times: Trump Want Europe to Defend itself. Here's What it Would Take, 7 March 2025, Link: <https://www.nytimes.com/2025/03/07/world/europe/europe-self-defense-trump.html>
- <sup>4</sup> . U.S. DEPARTMENT of STATE: U.S Security Cooperation with Ukraine, March 4 2025, Link: <https://www.state.gov/bureau-of-political-military-affairs/releases/2025/01/u-s-security-cooperation-with-ukraine>



<sup>5</sup>. China: EU trade relations with China, Link: [https://policy.trade.ec.europa.eu/eu-trade-relationships-country-and-region/countries-and-regions/china\\_en](https://policy.trade.ec.europa.eu/eu-trade-relationships-country-and-region/countries-and-regions/china_en)


مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنای پالیسی ها در افغانستان و منطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: [info@csrsaf.org](mailto:info@csrsaf.org)

وب سایت: [www.csrsaf.org](http://www.csrsaf.org)



 : +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



[www.csrsaf.org](http://www.csrsaf.org)



[info@csrsaf.org](mailto:info@csrsaf.org)